

Formation of the Concept of Public Goodness in the Idea of Clergymen of the Constitutional Era¹

Reza Taran¹, Seyed Ali Mirmoosavi²

1. Ph.D., Department of Political Science, Mofid University, Qom, Iran (**Corresponding author**).
taran1391@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Science, Mofid University; Member of the political studies
association of the domain, Qom, Iran. mirmoosavi@mofidu.ac.ir

Abstract

The purpose of the present research is to study formation of the concept of public good in the idea of clergymen of the constitutional era. In this regard, Quentin Skinner's hermeneutic method was used and the results showed that the concept of "religion's goodness" was a common norm among the clergymen before the constitutional era. By their Ijtihad (independent reasoning) and revaluation of the concept of goodness, the Islamic scholars supporting the Persian constitution attempted to reconceptualize the interpretation of public interest arising from the new world based on the Islamic intellectual traditions. Seyyed Jamāl Asad Ābādī by proposing the concept of "public interests", Ākhound Khorāsāni and Mohammad Hossein Nā'ini by the concept of "typical Issues" or "common issues", and Ismā'il Mahallāti by the concept of "public benefits" presented a religious interpretation of public good. This new concept within the framework of religion assigned the nation in charge of transformations in the public filed.

Keywords: Public Good, Public Interest, Nation's Good, Typical Issues, Public Benefits, Constitutional Era, Clergymen.

1. **Received:** 2022/01/09 ; **Revised:** 2022/02/04 ; **Accepted:** 2022/03/20 ; **Published online:** 2022/09/23

DOI: 10.22034/sm.2022.546486.1810

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



شکل‌گیری مفهوم خیر عمومی در اندیشه علمای دوره مشروطه^۱

رضا تاران^۱، سید علی میرموسوی^۲

۱. دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول). taran1391@gmail.com

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. mirmoosavi@mofidu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی شکل‌گیری مفهوم خیر عمومی در اندیشه علمای دوره مشروطه است. در این راستا، و با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک کوئنتن اسکینر، نشان داده شد که مفهوم «خیر شریعت» هنجار مرسوم نزد علمای پیشامشروطه بود. علمای طرفدار مشروطه با اجتهاد و بازنگری در مفهوم خیر تلاش کردند مفهوم خیر عمومی برخاسته از جهان جدید را براساس سنت‌های فکری اسلامی مفهوم‌بندی کنند. سیدجمال اسدآبادی با طرح مفهوم «منافع عمومی»، آخوند خراسانی و محمدحسین نایینی با طرح مفهوم «امور نوعیه» یا «امور مشترکه» و اسماعیل محلاتی با طرح مفهوم «فوائد عامه»، تفسیری دینی از خیر عمومی عرضه کردند. مفهوم جدید از خیر، تحولات حوزه عمومی را در چارچوب شریعت به ملت واگذار کرد.

واژه‌های کلیدی: خیر عمومی، مصلحت عمومی، خیر ملت، امور نوعیه، فوائد عامه، عصر مشروطه، علما.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان: **مفهوم خیر عمومی در ایران معاصر (تحولات دوره مشروطه)**، استاد راهنما: سیدعلی میرموسوی، ارائه شده در سال ۱۴۰۰ است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2022.546486.1810

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

خیر عمومی از مفاهیم بنیادین در دانش سیاسی است. فلسفه سیاسی یکی از معیارهای ارزیابی مشروعیت دولت را، رعایت خیر عمومی می‌داند و توزیع عادلانه خیرات عمومی، وظیفه اصلی دولت مدرن شمرده می‌شود؛ اما معنای این واژه چندان روشن نیست و براساس سنت‌ها، فرهنگ‌ها و زمینه‌ها، تفسیرهای متکثری از آن ارائه شده است. در اندیشه سیاسی ایران بعد از اسلام، مفاهیم سعادت در فلسفه سیاسی، مصلحت در فقه و مصلحت در سیاست‌نامه‌ها به این مفهوم اشاره دارند.

عصر مشروطه (قرن سیزدهم قمری) از مقاطع عمده منازعه در تاریخ سیاسی ایران است. در منازعه‌ای که به مدت چند دهه طول کشید، مقدمات تحول ساختار سلطنت سنتی فراهم شد و از اقتدار سیاسی پادشاه کاسته شد و با تدوین قانون اساسی، تفسیر و تشخیص خیرات جمعی به مجلس شورای ملی سپرده شد. کانون توجه مقاله حاضر، بررسی این منازعه و نسبت عمل و نظر سیاسی بر محور مفهوم «خیر عمومی» است.

با وقوع جنگ‌های ایران و روس و جدایی بخش‌هایی از ممالک محروسه ایران، علما در جایگاه متهمان جنگ دوم ایران و روس قرار گرفتند. فتحعلی‌شاه، مجتهدین و علما را مقصر می‌دانست که با فتاوای خود، شاه را به جنگ وادار کرده‌اند. او معتقد بود که علما در تشخیص خیرات و مصالح، ناتوان هستند و به جهت حفظ خیری کوچک، شری بزرگ را بر شاه و رعیت تحمیل کرده‌اند (رستم الحکما، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۲۵۹). البته برخلاف عباس میرزا و قائم مقام، فتحعلی‌شاه متوجه تحولات جهانی نبود و سعی می‌کرد دیگران را مقصر جلوه دهد. قائم مقام فراهانی ایده «سلطنت مستقله» را طرح کرد، معنای سنتی سلطنت مستقله، استقلال اقتدار سلطان از مجتهدان است (فیرحی، ۱۳۹۹: ص ۸۶-۸۷). سیاست‌های امیرکبیر در راستای الگوی حکمرانی سنتی بود، این حکمرانی که «سلطنت منتظم» نامیده می‌شد، نوعی از حکمرانی منتظم، بر پایه استقلال و اقتدار مطلق سلطان بود (فیرحی، ۱۳۹۹: ص ۱۲۰).

آشنایی نخبگان ایرانی با جهان جدید، موجب آشنایی با نوع جدیدی از حکمرانی در غرب شد. به باور برخی از نخبگان، این حکمرانی با محور قرار دادن خیر ملت در کانون تصمیم‌گیری‌های دولت، سعادت و آسایش شهروندان خود را تأمین کرده است. علما متهم بودند که با تفسیری از مفهوم خیر و مصلحت، زمینه استبداد را فراهم کرده‌اند. تصور برخی از نخبگان ایرانی این بود که تفسیر مستقر از خیر در ایران که مورد حمایت علما بود، در مقام تصمیم‌گیری و عمل سیاسی، خیر شخصی، گروهی و قومی را بر «خیر

عمومی» ترجیح می‌دهد. پرسش این است که با توجه به تحولات و زمینه‌های فکری و عملی دوره مشروطه، فقهای طرفدار مشروطه بر مبنای سنت‌های دینی چه تفسیری از مفهوم خیر عمومی عرضه می‌کردند؟ همچنین پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که علمای دوره مشروط با درک تحولات جدید و بازخوانی سنت، مفهومی از خیر را عرضه کردند که در آن، خیر ملت در چارچوب شریعت تأمین شود.

۲. پیشینه پژوهش

آدمیت و ناطق در کتاب «افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار» فصل کوتاهی را به بررسی مجلس مصلحت‌خانه در دوره ناصری اختصاص داده‌اند (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ص ۱۸۹). از نظر سید جواد طباطبایی، تشکیل دولت ملی نیازمند اندیشه‌ای است که مفاهیم بنیادین آن، دو مفهوم ملت و مصلحت باشد و چنین اندیشه‌ای تا دوران مشروطه، زمینه‌ای برای تدوین نیافت (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۱۲۱). داود فیرحی در کتاب «مفهوم قانون در ایران معاصر» اشاره‌هایی به نسبت مفهوم قانون و خیر عمومی دارد؛ اما کانون بحث او خیر عمومی نیست (فیرحی، ۱۳۹۹: ص ۱۳۱). مرداخانی و صادقیان نیز در مقاله‌ای با عنوان مفهوم «حقوق مشترکه نوعیه در اندیشه نائینی»، تفسیری حقوقی از امور مشترکه را بررسی کرده‌اند (مرداخانی و صادقیان، ۱۳۹۷: ص ۱۸۹). در این راستا، پژوهش حاضر با رویکردی اندیشه‌ای، درصدد پاسخ به این پرسش است که علمای طرفدار مشروطه چگونه از دل سنت اسلامی، مفهوم خیر عمومی را استنباط می‌کنند؟

۳. چارچوب نظری

نسبت نظر و عمل سیاسی از دل مشغولی‌های کوئنتین اسکینر^۱ است. او در نسبت‌سنجی میان «متن‌گرایی» یا «زمینه‌گرایی» که از منازعه‌های مهم در حوزه روش‌شناسی است، تلاش می‌کند تا میان نظریه و عمل سیاسی نسبت برقرار کند. پرسش این است که آیا می‌توان آثار و اندیشه‌های فقهای دوره مشروطه را به صورت مستقل و براساس منطق درونی و سازگاری، انسجام و قوت و ضعف استدلال‌های این آثار بررسی کرد؟ یا آثار این دوره را باید در بستر اجتماعی و سیاسی این دوره بررسی و معنابخشی کرد؟

1. Quentin Skinner

هرمنوتیک اسکینر با انتقاد از دو رویکرد متن‌گرا و زمینه‌گرا، رویکرد سومی را مطرح می‌کند که می‌تواند پیوندهای نظریه و عمل سیاسی را توضیح دهد (اسکینر، ۱۳۹۳: ص ۱۵). براساس این رویکرد، متون دوره مشروطه در بستر اجتماعی-سیاسی آن دوره مطالعه می‌شود؛ اما به نقش فقها و علمای دینی در تغییرات معنایی مفاهیم نیز توجه می‌شود. معانی جدید در ارتباط با روابط قدرت می‌تواند به تحول در عمل منجر شود. در ادامه، ابتدا هنجار مستقر از خیر در دوره پیش از جنگ‌های ایران و روس، یعنی سال ۱۲۴۳ قمری بررسی می‌شود، تا مشخص گردد که علمای این دوره چه فهمی از مفهوم خیر داشته‌اند، سپس تحول زمینه‌ها و تحول مفهوم خیر در سال‌های پس از جنگ تا دوره مشروطه پیگیری می‌شود.

۴. خیر شریعت

مصلحت شریعت، هنجار مرسوم الهیات سیاسی در دوره قاجاریه در سال‌های ۱۲۰۰-۱۲۴۳ قمری است. الهیات سیاسی این دوره شامل کلام، اخلاق و فقه است. این آموزه‌ها، نظامی اعتقادی و نظری می‌سازند که درون آن متون دینی به مثابه دانش‌های پشتیبانی، نظامی هنجاری را از طریق دانش فقه تولید می‌کند و تفسیری الهی از حکمرانی عرضه می‌کند و مکلفین را بر تبعیت از این حکمرانی ملزم می‌دارد. الهیات سیاسی پیشامشروطه بر بنیان‌ها و مفروض‌هایی بنا شده بود که بر اساس آن، تشخیص مصالح بر عهده شریعت دانسته می‌شد. فقیه و مجتهد، نماینده شریعت در تشخیص خیرات است. تفسیری از غایت انسان، زندگی جمعی، ماهیت دولت و وظایف دولت، سازنده مفهوم خیر در اندیشه الهیاتی این دوره بود. ابتدا مروی بر این مفروضات کرده، سپس فهم اندیشمندان اسلامی این دوره از مفهوم مصلحت بررسی می‌شود.

الهیات سیاسی پیشامشروطه، فهمی غایت‌گرایانه از انسان دارد. ملامهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) از علمای دوره فتح‌علی‌شاه معتقد است، خلق آسمان‌ها، زمین، انسان، حیوان بر اساس حکمت و مقتضای مصلحت است و خالق جهان آگاه به مصالح مخلوقات است (نراقی، ۱۳۶۹: ص ۷۲). خداوند بر اساس حکمت و لطف، پیامبرانی مبعوث می‌کند تا خداوند را به مردم بشناسانند و اوامر و نواهی او را به مردم برسانند و تبلیغ کنند و آنچه را که مصلحت و خیر مردم است به مردم بگویند (نراقی، ۱۳۶۹: ص ۹۲). در حوزه انسان‌شناسی، انسان‌ها نامساوی و متفاوت دانسته می‌شد و نامساوی بودن را به خلقت خداوندی نسبت می‌دادند. سید جعفر کشفی (۱۱۸۹-۱۲۶۷ق) از علمای دوره فتح‌علی‌شاه، آدمی را موجودی مختار، عاقل و اجتماعی می‌داند. از نظر او، انسان‌ها در میزان و اقتباس «نور عقل و شعاع معرفت» و نیز

«رأی و همت»، دارای مراتب و درجات متفاوتی هستند (کشفی، ۱۳۸۱: ص ۶۴۵).^۱ میرزای قمی (۱۱۵۰ق-۱۲۳۱ق) فقیه با نفوذ دوره فتحعلی‌شاه در «ارشادنامه»، متفاوت و نامساوی بودن انسان‌ها را امتحان الهی می‌داند: «آفریدگار یکی را یکی را تاج سروری بر سر نهاده و بر روی زمین شبیه به جانشین از برای خود قرار داده او را مالک رقاب بندگان کرده و بر تخت «آئیناهم ملکا عظیماً» (نساء: ۵۳) نشانده و دیگری را ریسمان مذلت و خواری در گردن نهاده است» (میرزای قمی، ۱۳۴۸: ص ۳۷۷). این تفاوت موجب می‌شد آن کسی که علم به علوم دینی دارد، جایگاه ویژه یافته و تشخیص خیرات را بر عهده گیرد. اندیشمندان دینی دوره پیشامشروطه انسان را مدنی بالطبع می‌دانند و اقتضای طبیعت انسان را زندگی جمعی می‌دانند. ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) معتقد است که خداوند متعال انسان را مدنی‌بالطبع خلق کرده است، انسان نمی‌تواند به زندگی فردی بسنده کند، انسان نیازهای متنوعی دارد و بر اساس زندگی جمعی و تقسیم کار ممکن است نیازهای زندگی تأمین شود (نراقی، ۱۳۶۶: ص ۴۵). از نظر کشفی مُدُن جمع مدینه است و مدینه، جای اشخاصی است که به انواع حرفه‌ها و صنعت‌ها تسلط دارند و بر زندگی یکدیگر کمک می‌کنند تا هم خیر و صلاح دنیا و هم خیر و صلاح آخرت تأمین شود (کشفی، ۱۳۸۱: ص ۶۴۴).

علمای دوره پیشامشروطه، وجود سلطنت و سیاست را ضروری می‌دانند. ملااحمد نراقی تار و پود آدمی را آمیخته به شهوت می‌داند، و معتقد است که هریک از انسان‌ها، برای رسیدن به هدف خود، مرتکب صدگونه فساد می‌شوند، ناپاکان بر پاکان و اقویا بر ضعفا دست تعدی دراز می‌کنند و آنها را از ساختن خانه آخرت محروم می‌کنند، باید فرماندهی لازم‌الاتباع سرپرستی رعایا را بر عهده گیرد و شر اشرار را کم کند و با عدالت خود آسودگی بندگان را فراهم آورد (نراقی، ۱۳۶۶: ص ۳۴۸). از نظر کشفی، غایت سیاست، سعادت رعایا است و موضوع سیاست دانش و عمل به مسیر سعادت آدمی است. دغدغه سیاست مُدُن این است که پادشاهان و سلاطین با رعایا و اهل بلد چگونه باید رفتار کنند که موجب حصول سعادت دینیه و دنیویه همگی باشد (کشفی، ۱۳۸۱: ص ۵۰۵).

نظریه‌های مشروعیت دولت در دوره قاجار غایت‌گرایانه است، ابتدا غایت و هدف خاصی را برای

۱. نویسنده مقاله در مقام توصیف است و لزوماً این دیدگاه را قبول ندارد؛ اما برخی از علمای این دوره از جمله کشفی، چنین نگاهی دارند؛ یعنی نابرابری را به خدا منتسب می‌کنند.

انسان و اجتماع ترسیم می‌کند و حاکمیت سیاسی را ابزاری برای رسیدن به آن اهداف فرض می‌کند، از این جهت این نظریه‌ها یا اقتدارگرا هستند یا به اقتدارگرایی بلاشرط هستند (فیرحی، ۱۳۸۱: ص ۲۱۹). بر اساس این مبانی، تشخیص خیرات در انحصار شرع دانسته می‌شود. بنابر تقریر علمای صاحب نفوذ این دوره، مجتهد، نایب امام است و سلطان عادل، مأذون از مجتهد است (فیرحی، ۱۳۹۹: ص ۳۷). بنابر اندیشه علمای دوره فتحعلی‌شاه قاجار، «حفظ و اجرای شریعت» والاترین مصلحت شمرده می‌شود و حفظ بیضه اسلام، حفظ نظامات اجتماعی، عدالت و دادگری و آبادانی ذیل خیر شریعت اسلامی اولویت‌بندی می‌شود.

۵. زمینه‌های تحول مفهوم خیر در دوره پیشامشروطه

جنگ‌های ایران و روس، آشنایی نخبگان ایرانی با جهان جدید و واگذاری امتیازات به بیگانگان زمینه تحول فکری علمای دینی را فراهم کرد. تفسیر مسلط از خیر در دوره فتحعلی‌شاه، نتوانست خیر دین را حفظ کند و نتیجه جنگ، انعقاد عهدنامه ترکمانچای بود. بخش‌هایی از مُلک ممالک محروسه ایران جدا شد، که بیضه اسلام محسوب می‌شد. همچنین جمعیتی از رعایا و مؤمنان به اسارات و بندگی کافران درآمدند (هدایت، ۱۳۸۰: ج ۹/ب: ص ۷۸۸۲). عالمان از زمان وقوع جنگ دوم ایران و روس در معرض انتقاد قرار داشتند، چه آنکه متهم بودند که با بی‌تدبیری، فتحعلی‌شاه را تحریک به جنگ کرده‌اند و نتیجه آن جدایی بخش‌هایی از خاک ایران شده است. محمدشاه مسلکی صوفیانه داشت و چندان دل‌خوشی به مجتهدان و عالمان دینی نداشت. قائم مقام فراهانی با طرح ایده سلطنت مستقله در پی استقلال پادشاه از فقها بود، امیرکبیر و سپهسالار نیز هر کدام با بسط و اجرای دولت منتظم کوشیدند، اختیارات علما را محدود کنند. جنبش باب نیز تفسیر مجتهدان از دین را نفی می‌کرد. البته اینکه برداشت آنها درست بوده است یا نه نیاز به بررسی دارد؛ اما آنچه مشخص است، آنان چنین تصویری داشتند و براساس آن کنش‌گری می‌کردند.

اعزام محصلان برای تحصیل علوم جدید یکی از نتایج شکست ایران از روس بود. بعد از جنگ اول و در سال ۱۲۳۰ قمری، چند محصل برای تحصیل به فرنگ اعزام شدند. طباطبایی معتقد است، میرزا صالح یکی از این محصلان نخستین ایرانی بود که با آگاهی به غرب سفر کرد و اندیشه‌ورزانه کوشش کرد، تحولات جدید را فهم کند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۲۶۵). آشنایی با جهان جدید، منورالفکران را پدید آورد که هریک به‌گونه‌ای از علما و جایگاه دین در عقب‌ماندگی انتقاد می‌کردند.

آخوندزاده معتقد بود، تعبد موجب تعطیلی تعقل می‌شود. او به صورت مشخص بر نفی «فقه» متمرکز

می‌شد و این دانش را مانع فکر و تغییر و نو شدن می‌دانست (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ص ۱۵۰). آقاخان کرمانی ورود اسلام به ایران را مساوی اضمحلال و از بین رفتن شکوه ایرانی می‌دانست (آقاخان کرمانی، ۲۰۰۰م: ص ۱۲۲). مستشار تلاش می‌کند میان خیر شریعت و خیر ملت، پیوند برقرار کند. او برای موجه کردن قانون موضوعه به قاعده «ملازمه عقل و شرع» استناد می‌کند (مستشارالدوله، ۱۳۸۲: ص ۷۱). طالبوف نیز حقوق عمومی را مطرح می‌کند. او وضع قانون را به اکثریت آرای عموم ملت واگذار می‌کند (طالبوف، ۲۵۳۶: ص ۱۷۹-۱۸۰). انتقادات روشنفکران از نقش دین، موجب آگاهی و بازنگری برخی از علما در امور دینی مربوط به حوزه اجتماع می‌شود و آنان را به تأمل و استنباط‌های جدید در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی وادار می‌کند.

از سوی دیگر عصر قاجار، عصر واگذاری امتیازات به بیگانگان است. واگذاری این امتیازات به معنای تهدید بیضه اسلام است. برخی از امتیازات نیز مستقیماً با زندگی و معیشت رعایا مرتبط بود و از این جهت اهمیت بیشتری داشته است و منجر به واکنش‌هایی در ایران عصر ناصری شده است. یکی از این امتیازها، امتیاز رژی^۱ است که زمینه جنبش تنباکو (۱۳۰۹ قمری) را فراهم کرد. از نظر کسروی، واگذاری این امتیاز زمینه حضور و تسلط بیگانگان بر مردم را فراهم می‌کند (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۹۵). جنبش تنباکو را می‌توان نقطه عطفی دانست که جایگاه علمای دینی را در میان مردم تقویت کرد و علما را به وزنه‌های اصلی نهضت مشروطه و تحولات بعد از آن تبدیل کرد.

۶. تحول مبانی اندیشه سیاسی

مفهوم خیر در دوره پیشامشروطه بر تفسیر خاصی از انسان‌شناسی، شکل‌گیری اجتماع، ماهیت دولت و غایت دولت استوار بود. تحولات پیشامشروطه و مشروطه این مفروضات و تفاسیر را متحول کرد. تحول در این بنیان‌ها موجب پدیدار شدن هنجار جدیدی از مفهوم خیر شد. یکی از این تغییرات، دگرگونی در فهم از انسان است. انسان‌شناسی علما در دوره پیش از جنگ‌های ایران و روس بر پایه نامساوی بودن بنا شده بود. اندیشه‌های دینی این دوره با تقسیم انسان به مجتهد و مقلد، امور سیاسی را در حیطه اختیارات مجتهد قرار می‌داد. نگرش‌های جدید، انسان را به خرد و اندیشیدن دعوت می‌کند و جایگاه عقل را پیامبر

درونی تفسیر می‌کند. شیخ هادی نجم‌آبادی معتقد است «نخستین پیامبر، خرد انسان است، که خداوند جهان در وجود هر انسانی قرار داده است» (نجم‌آبادی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۳). اصالت دادن به عقل، به رسمیت شناختن انسان دوره مشروطه است. نتیجه آن در حوزه سیاسی خروج امر سیاسی از انحصار فقیه و دخیل شدن اشخاص عادی در تشخیص حقوق سیاسی است. آخوند خراسانی معتقد است، عقل‌های متعدد بهتر از یک عقل می‌تواند امور نوعی را تشخیص دهد (کدیور، ۱۳۸۷: ص ۲۱۴).

«هیأت اجتماعی» از مفاهیم پرکاربرد در آثار سیدجمال اسدآبادی است. او تعریف روشنی از این مفهوم ارائه نمی‌کند؛ اما از کاربردهای آن می‌توان فهمید که منظور او زندگی جمعی، زندگی مدنی و زندگی در اجتماع است. زندگی جمعی مورد نظر سید، حول جلب منفعت و دفع ضرر از اشخاص و نوع انسانی است. «روابط انسان‌ها با یکدیگر و قوام انسانیت ایشان، عبارت است از افاده و استفاده و تعاون و مجاملت با یکدیگر و چون صفت تکبر در کسی متکمن شود، از جمیع این امور دوری گزیده و از معاشرت و معارفه دیگران کناره خواهند گرفت. و در این صورت وجود او در عالم انسانی بی‌فایده و بی‌ثمر و کالمعدوم خواهد بود» (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۷). سید، هیأت اجتماعی یا اجتماع را بر اشخاص اولویت می‌دهد و در صورتی که اشخاص نتوانند نفعی به هیأت اجتماعی برسانند، آن اشخاص را کالمعدوم می‌داند. در دوره مشروطه زندگی جمعی حول مفهوم ملت شکل می‌گیرد و با شکل‌گیری مفهوم ملت، مفهوم خیر نیز در حال تحول است و دولتی متناسب با خیر ملت نیاز دارد.

دغدغه علمای نوگرا و مشروطه‌خواه ایجاد دولتی است که در آن ظلم، ستم و استبداد حذف شود و امور نوعی که حوزه خیرات عمومی است، به شکلی عادلانه اداره شود. محمدحسین نائینی در کتاب «تنبیه‌الامه و تنزیه المله» حکومت را ضروری فرض می‌کند. از نظر او «عقلای عالم معتقدند نظم و معیشت زندگی نوع بشر متوقف بر سلطنت و سیاست است». از نظر نائینی، حفظ بیضه اسلام از اهم جمیع تکالیف و سلطنت اسلامی از وظایف و شئون امامت است (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۲۹). نائینی احکام شریعت اسلامی را در راستای رسیدن به دو وظیفه دانسته است؛ حفظ اسلام و اجرای عدالت.

اسماعیل محلاتی سلطنت مستقله را بر دو بخش تقسیم می‌کند. در نوع اول، مصالح نوعیه مورد نظر است؛ اما از طریق انتخاب وکلا انجام نمی‌شود، بلکه خود پادشاه، محض دلسوزی نوع عامه را به نفع می‌رساند. محلاتی ریاست انبیاء و خلافت اوصیاء را از این جنس می‌داند (محلاتی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۱۳). بخش دوم، سلطنتی است که «سکنه مملکت را در فواید نوعیه و منافع عامه حاصله از آن، اصلاً

حظی و نصیبی نباشد و عموم ملت از نوع آنها بالکلیه مکوف‌الید و مسلوب‌الحق بوده باشند، بلکه همه مختص پادشاه بود». محلاتی پادشاهی‌های ایران را از نوع پادشاهی‌های مطلقه مستبده دانسته است (محلاتی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۱۴).

۷. دولت حافظ خیرات عمومی

با وقوع جنگ‌های ایران و روس، آشنایی ایرانیان با جهان جدید و واگذاری امتیازات به دول بیگانه، تفسیر جدیدی از مفهوم مصلحت شکل گرفت، که در آن جایگاه ملت برجسته شد. وظیفه دولت، ساماندهی امور عمومی و نوعی تلقی شد. در این نگاه، دولت حافظ منافع عموم یا منافع ملت نامیده می‌شد. چنین نگاهی برگرفته از متون اسلامی بود که در مواجهه علمای این دوره با زمینه‌های اجتماعی سیاسی شکل گرفته بود. سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمدحسین نائینی، اسماعیل محلاتی و آخوند خراسانی تفسیرهای جدیدی از مفهوم خیر و مصلحت عرضه کردند.

۷-۱. اسدآبادی و شریعت در خدمت خیر ملت

نوشته‌ها و آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) رویکردی فلسفی و کلامی دارد. اگر چه مباحث او رویکرد فقهی ندارد؛ اما مقدمات و مفروضات فقه مشروطه را بنا می‌کند. سیدجمال در تحول دینی مفهوم انسان و زندگی جمعی، دیدگاه‌های مهمی را عرضه می‌کند و فقها آن مباحث را مفروض گرفته و چندان در مورد مسائل انسان‌شناسی بحث نمی‌کنند. اسدآبادی در نامه‌ای به میرزای شیرازی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ق) زعیم و مجتهد صاحب نفوذ شیعیان می‌نویسد: «پادشاه از اداره کشور و حفظ منافع عمومی عاجز است» (اسدآبادی، ۱۳۶۰: ص ۴۹). تأکید سید بر ناتوانی در حفظ منافع عمومی از منظر این پژوهش مورد توجه است، از نظر او حفظ منافع عمومی از معیارهای سنجش عملکرد پادشاه است. سیدجمال اسدآبادی تأکید ویژه‌ای بر هیأت اجتماعی یا اجتماع دارد. او در مقاله «اسباب صیانت حقوق»، دین را سبب اصلی حفظ حقوق در هیأت اجتماعی می‌داند (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ص ۹۵).

بخشی از دغدغه‌های سید، معطوف به تفسیر کارآمد از دین است. ایشان تفسیری از دین را مورد نظر دارد که محرک اجتماع بوده و ترقی و سعادت را به دنبال داشته باشد. برداشت او این است که هنجار مرسوم از مفهوم خیر کارایی ندارد. علت آن آمیخته شدن تفسیر دین با خرافات و عقاید باطل است (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۰). از نظر سیدجمال، دین اسلام تقلید در عقاید را برنمی‌تابد و مسلمانان را تشویق می‌کند تا دنبال دلیل باشند و در هر جا به عقل خطاب می‌کند و جمیع سعادت را نتیجه خرد و بیش می‌شمارد

(اسدآبادی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۱). سید، تفسیر دین و حرکت هیات اجتماعی به سوی سعادت را وابسته به علما و پیشوایان دینی می‌داند (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۳).

او دانش‌های اسلامی را کارآمد می‌داند و از علم فقه و علمای دوره خود انتقاد می‌کند که چرا نتوانسته‌اند، اشخاص کارآمد تربیت کنند: «علم فقه مسلمانان حاوی است بر جمیع حقوق منزلیه و حقوق بلدی و حقوق دولیه را، پس می‌باید شخصی که متوغل در علم فقه شود، لائق آن باشد که صدراعظم ملکی شود، یا سفیرکبیر دولتی گردد و حال آنکه ما فقهای خود را می‌بینیم، بعد از تعلیم این علم، از اداره خانه خود عاجز هستند؛ بلکه بعضی‌ها بلاهت را فخر خود می‌شمارند» (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ص ۱۳۲-۱۳۳). بخش دیگر انتقادات او به علم اصول فقه است: «علم اصول عبارت است از فلسفه شریعت؛ یعنی فیلولوفی آف لائو، که در آن علم حقیقت، صحت و فساد و منفعت و مضرت و علل تشریح احکام بیان می‌شود و البته یک شخص که این علم را بخواند، می‌بایست که قادر شود بر وضع قوانین و اجرای مدنیت در عالم، حال آنکه می‌بینیم که خوانندگان این علم در مسلمانان محروم هستند از دانستن فواید قوانین و قواعد مدنیت و اصلاح عالم» (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ص ۱۳۳). با این سخن مشخص می‌شود که سید، علوم اسلامی و خصوصاً اصول و فقه را قانون‌ساز می‌داند و معتقد است، این دانش چنین پتانسیلی دارد؛ اما علما از آن غافل شده‌اند. به بیان دیگر، سید معتقد است، این دانش باید قوانینی در راستای خیر و صلاح ملت، استنباط و تدوین کند.

سید جمال‌الدین اسدآبادی چه از منظر کنش سیاسی و چه از منظر اندیشه سیاسی از نخبگان مؤثر دوره پیش از مشروطه است و برخی از نویسندگان مانند ملک‌زاده او را آغازکننده نهضت مشروطه ایران می‌دانند. از منظر پژوهش حاضر، سید جمال با طرح ایده‌ها و کنش‌های خود توانست علما و مجتهدین را با اندیشه‌های جدید آشنا و همراه سازد. سید از منظری فلسفی مفهوم نفع عمومی را وارد ادبیات این دوره کرد. اندیشه‌ها و فعالیت‌های سیدجمال، تأثیرات فراوانی بر جای گذاشت، از جمله آنکه میرزا رضا کرمانی از علاقمندان سید در سال ۱۳۱۳ قمری ناصرالدین‌شاه را به قتل رساند، او این قتل را در راستای خیر عامه دانست و معتقد بود، شاه خیر عامه را رعایت نمی‌کرد (ملک‌زاده، ۱۳۵۷: ج ۱: ص ۱۰۷).

۲-۷. محمدحسن نایینی و طرح امور نوعیه

محمدحسین غروی نایینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) در رساله «تنبيه الامه و تنزيه الاسلامه»، «امور نوعی یا امور مشترکه» را طرح کرد. امر نوعی در مقابل امر شخصی قرار دارد. فعالان عصر مشروطه مجلس شورای ملی

را «حافظ حقوق نوعیه ملیه» می‌دانستند (فیرحی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۴). امور نوعی به دو دسته لازم‌الاقامه و غیر قابل مداخله تقسیم می‌شود. نقش قانون اساسی این است که این دو دسته را از یکدیگر تمیز دهد. دسته اول در حوزه مجلس است و دسته دوم در حوزه شریعت است (فیرحی، ۱۳۹۴: ص ۱۴۱). تشکیل مجلس به جهت تصمیم‌گیری در امور نوعی است، که شریعت در آن حوزه ساکت است. از نظر نایینی باید هیئتی از عقلا و خیرخواهان ملت که به «حقوق مشترکه بین‌الملل» آگاهی دارند، از سوی ملت انتخاب شوند تا برای اداره امور نوعی تصمیم‌گیری کنند (نایینی، ۱۳۷۸: ص ۳۸). حقوق مشترکه بین‌الملل، قرینه حقوق مشترکه نوعیه در ادبیات نائینی است (فیرحی، ۱۳۹۴: ص ۱۴۶).

از نظر نائینی اساس سلطنت ولایتیه بر اقامه مصالح نوعیه است و اندازه آن محدود است. امور شخصیه داخل در تصمیم‌گیری‌های مجلس نخواهد بود؛ بلکه «آزادی رقاب ملت از این اسارت و رقیّت منحوسه ملعونه و مشارکت و مساواتشان با همدیگر و با شخص سلطان در جمیع نوعیات مملکت، از مالیه و غیرها، مبتنی و حق محاسبه و مراقبه داشتن ملت و مسئولیت متصدیان هم از فروع این دو اصل است» (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۳۹). از نظر نایینی ممکن است اشخاص در حوزه اقتصادی یا شئون اجتماعی متفاوت از هم باشند؛ اما در امر سیاسی نباید تفاوتی میان اشخاص باشد، بلکه از آن روی که به مشترکات نوعی و نه تمایزات شخصی استوار است، لاجرم بر مساوات و مشارکت نوع استوار است (فیرحی، ۱۳۹۴: ص ۱۵۲). از نظر نایینی اساس سلطنت اسلامی عبارت از ولایت بر سیاست امور امت است و آن هم مبتنی بر مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت است، و در حال حاضر بر مشورت با عقلای امت که عبارت از همین شورای عمومی ملی است. نایینی به نص کلام مجید و سیره مقدسه نبویه (ص) تأکید می‌کند که تا زمان استیلای معاویه، این دستور الهی اجرا می‌شد (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۸۱).

نائینی معتقد است مرتب کردن دستور (قانون اساسی)، به محدود کردن قدرت و تمیز مصالح نوعیه لازمه‌الاقامه، لازم و کافی است. کیفیت اقامه آن دستور، مشخص کردن وظایف و درجه استیلای سلطان، آزادی ملت و تشخیص کلیه حقوق طبقات اهل مملکت بنابر مذهب لازم و ضروری است. سلطنت و مجلس در حکم امانت است و افراط و تفریط در آن امانت، خیانت محسوب می‌شود. فرد خائن برای ابد عزل شده و سایر عقوبت‌های خائن بر او مترتب خواهد بود (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۳۷). نایینی قانون اساسی را در جایگاه رساله عملیه می‌نماید و اجرای آن را در حکم احکام شرعی می‌داند. هدف از این دستور سیاسی، حفظ مصالح نوعیه خواهد بود.

۷-۳. آخوند خراسانی و اصلاح امور عامه

محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) از حامیان اصلی مشروطه است. عمده دیدگاه‌های او به صورت بیانیه، اعلامیه یا در پاسخ به سؤالات و در جریان مشروطه و سال‌های بعد از مشروطه صادر شده است. در بسیاری از اعلامیه‌ها نام دو عالم بزرگ نجف، یعنی میرزا حسین خلیلی تهرانی (۱۲۳۰-۱۳۲۶ق) و ملاعبدالله مازندرانی (۱۲۵۶-۱۳۳۰ق) نیز دیده می‌شود. مراجع ثلاث در یکی از اعلامیه‌های خود در دفاع از مشروطه نکته مهمی را ذکر کرده‌اند: «غرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم». این سخن نشان می‌دهد که حمایت مراجع ثلاث در راستای خیر دین و ملک است. از نظر آنان حمایت از مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه مظلوم، اعانت ملهوف، امر به معروف و نهی از منکر، تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت و همچنین، حفظ بیضه اسلام است، قطعاً، عقلاً، شرعاً و عرفاً راجح، بلکه واجب است، مخالف و معاند او، مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است (کدیور، ۱۳۸۷: ص ۱۷۵).

آخوند خراسانی در دوره غیبت، حکومت‌ها را نامشروع می‌داند. از نظر او چه پادشاهی گذشته و چه مشروطه خارج از دایره شرع تعریف می‌شوند و با عنوان مشروطه مشروعه مخالف است. از نظر آخوند، سلطنت مشروعه مختص امام معصوم است و غیر معصوم در دوره غیبت هر حکومتی و با هر شکلی تشکیل دهد، حکومت مشروعه نخواهد بود: «و اعجاباً چگونه مسلمانان خاصه علماء ایران ضروری مذهب امامیه را فراموش نمودند که سلطنت مشروعه آن است که متصدی امور ناس و رتق و فتق کارهای قاطبه مسلمین و فیصل کافه مهام به دست شخص معصوم و مؤید و منصوب و منصوص و مأمور من‌الله باشد، مانند انبیاء و اولیاء (ص) و مثل خلافت امیرالمومنین (ع) و ایام ظهور و رجعت حضرت حجت (ع)؛ و اگر حاکم مطلق معصوم نباشد، آن سلطنت غیر مشروع است، چنانکه در زمان غیبت است». آخوند سلطنت سلطنت غیر مشروعه را در دو قسم می‌داند: قسم اول، حکومت غیر مشروعه عادلانه است؛ از نظر آخوند مشروطه چنین حکومتی است. نوع دوم، حکومت غیر مشروعه حکومت ظالمانه جابره است، که در آن حاکم مطلق یک نفر مطلق العنان خودسر است. از نظر آخوند، حکومت غیر مشروعه عادلانه بر حکومت غیر مشروعه جابره مقدم است (کدیور، ۱۳۸۷: ص ۲۱۴). از نظر او «موضوعات عرفیه و امور حسیه در زمان غیبت به عقلای مسلمین و ثقات مؤمنین مفوض است، و مصداق آن همین دارالشورای کبری بوده که به ظلم طغات و عصات جبراً منفصل شد» (کدیور، ۱۳۸۷: ص ۲۱۵).

۷-۴. اسماعیل محلاتی و طرح ایده فواید عامه

شیخ اسماعیل محلاتی غروی (۱۲۶۹-۱۳۴۳ق) از علمای ساکن نجف در دوره مشروطه است. رساله «اللتالی المربوطه فی وجوب المشروطه» اثر شیخ محمد اسماعیل محلاتی است که در دفاع از مشروطه و پاسخ به مخالفان نگاشته و سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. از نظر محلاتی، بنای سلطنت مشروطه دولت محدوده بر این است که «فواید عامه و منافع کلیه سیاسیه و آنچه موجب صلاح و رشاد و باعث تمدن و عمران مملکت است، به مجموعه سکنه آن متعلق باشد و به همه آنها رجوع کند» (محلاتی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۱۱). توجه محلاتی گذر دادن حکمرانی از منفعت شخصی و گروهی به منفعت عام است که شامل همه اعضای آن مجموعه باشد. از نظر محلاتی تفاوت سلطنت مشروطه محدوده با سلطنت مطلقه مستبده همین نکته اساسی است. در سلطنت مستبده، فواید و منافع سلطان مورد نظر است و در سلطنت مشروطه منافع عامه مردم، محور تصمیم‌گیری است. محلاتی نفی و اثبات مصالح را متعلق به عموم می‌داند (محلاتی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۱۲). براساس یافته‌های پژوهش حاضر مرجع تشخیص مصالح عمومی در سلطنت مشروطه محدوده، عموم ناس هستند و در سلطنت مطلقه مستبده، مرجع تشخیص مصالح، شخص پادشاه است.

اما پرسش این است که برای رسیدن به این هدف چه مسیری باید طی شود. به بیان دیگر کدام مکانیزم یا ساختار سیاسی در مسیر رسیدن به سلطنت مشروطه محدوده باید طی شود. از نظر محلاتی «بایست که لابد از جانب عموم و از طرف جمهور آنها، امنایی تعیین شود که جلب منافع عامه و دفع مضار کلیه، به نظر آنها منوط گردد تا که در اطراف و جوانب آن نظر انداخته، صلاح و فساد نوع را از روی مشورت نفیاً و اثباتاً معلوم نمایند و به توسط امناء دولت و حواشی و اجزاء سلطنت بر پادشاه که رئیس اجزاء افکار و اعمال انظار است عرضه دارند» (محلاتی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۱۲). بنابراین، از نظر محلاتی تشخیص مصالح نوعی به عهده وکلا و امنای انتخابی عموم است و پادشاه و همه ادارات دولتی ابزار اجرای این مصالح است. محلاتی حکومت را به بدن انسانی تشبیه می‌کند و امنا را قوه نظریه و هیأت سلطنت و اجزاء آن را به منزله عقل عملی در نظر می‌گیرد، که البته عقل عملی تابع عقل نظری است (محلاتی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۱۲).

محلاتی در بخش دوم رساله «اللتالی المربوطه فی وجوب المشروطه» به شبهات مخالفان مشروطه پاسخ داده است. محلاتی یکی از شبهات مخالفان را این‌گونه تقریر کرده است که با نوشتن و امضای قانون

اساسی مشروطه، باب اجتهاد بسته خواهد شد؛ زیرا اگر اجتهادی بر خلاف یکی از بندهای قانون اساسی انجام شود آن اجتهاد و حکم باطل خواهد شد. محلاتی در پاسخ تأکید می‌کند که قانون اساسی متنی مشخص و در دسترس است و آنچه قانون اساسی بر آن تأکید دارد، «کلیات امور سیاسیه که موجب جلب منافع نوعیه و دفع مضار عامه است و آنچه باعث رفاهیت رعیت و خلاصی آنها است از فشار ظلم استبداد، دخلی به احکام کلیه شرعیه که مورد اجتهاد و مجتهدین است ندارد» (محلاتی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۳۶). در حقیقت، محلاتی امور مربوط به حوزه عمومی را به نمایندگان ملت واگذار می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

دغدغه اصلی پژوهش حاضر فهم چگونگی شکل‌گیری مفهوم خیر عمومی در اندیشه علمای دوره مشروطه بود. براساس روش هرمنوتیک اسکینر، تحول و پیدایش زمینه‌های اقتصادی و سیاسی به شکل‌گیری مفهوم جدیدی از خیر انجامید. شکست ایران از روس، آشنایی ایرانیان با جهان جدید و واگذاری امتیازات به بیگانگان، واکنش‌هایی در میان علما برجای گذاشت. برداشت علمای مشروطه‌خواه این بود که تفسیر مستقر از خیر شریعت در عمل منجر به کنار گذاشته شدن خیر عموم مردم شده و خیر خصوصی پادشاه را برآورده می‌کند. سید جمال‌الدین اسدآبادی با طرح مفهوم منفعت عمومی، آخوند خراسانی و میرزای نایینی با مفهوم امور نوعیه و امور مشترکه و اسماعیل محلاتی با طرح مفهوم فواید عامه، تفسیری جدید از خیر عرضه کردند. براساس این تفسیر، تشخیص خیرات عمومی در حوزه غیرمنصوصات دینی به مردم واگذار می‌شد. سه تفسیر از خیر؛ یعنی خیر سلطنت، خیر شریعت و خیر ملت در قانون اساسی مشروطه و متمم آن دیده می‌شود و بخشی از قانون اساسی به حقوق شریعت، بخشی به حقوق سلطنت و بخش دیگر به حقوق ملت اختصاص یافت.

منابع

قرآن کریم.

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۷). مکتوبات میرزا فتحعلی خان آخوندزاده. تبریز: نشر احیاء.
- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما (۱۳۵۶). افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار. تهران: انتشارات آگاه.
- اسدآبادی، سید جمال (۱۳۶۰). نامه‌های سید جمال اسدآبادی. به کوشش ابوالحسن جمالی اسدآبادی. تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- اسدآبادی، سید جمال (۱۳۷۹). مجموعه رسائل و مقالات. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: کلبه شروق.
- اسکینر، کوئینتن (۱۳۹۳). بینش‌های علم سیاست. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: نشر فرهنگ جاوید.
- رستم‌الحکما (۱۳۹۸). داستان سوال و جواب حکیمانه. در: غلامحسین زرگری‌نژاد، سیاست‌نامه‌های قاجاری. تهران: نگارستان اندیشه، چاپ دوم، ج ۱.
- طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶ شاهنشاهی). کتاب احمد. با مقدمه و حواشی باقر مومنی. تهران: شبگیر.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۰). دیپلاچ‌ای بر نظریه انحطاط ایران. تهران: نگاه معاصر.
- فیرحی، داود (۱۳۸۱). شیعه و مسئله مشروعیت؛ بین نظریه و نص. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۵۷.
- فیرحی، داود (۱۳۹۴). آستانه تجدید در شرح تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملله. تهران: نشر نی.
- فیرحی، داود (۱۳۹۹). مفهوم قانون در ایران معاصر. تهران: نشر نی.
- قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۴۸). ارشادنامه. تحقیق حسن قاضی طباطبایی. علوم انسانی (دانشگاه تبریز)، ۲۰(۳).
- کدیور، محسن (۱۳۸۷). سیاست‌نامه خراسانی. تهران: غزال، چاپ دوم.
- کرمانی، میرزا آقاخان (۲۰۰۰ م). سه مکتوب. به کوشش بهرام چوبینه. آلمان: نشر نیما.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ج ۱.
- کشفی دارابی، سید جعفر (۱۳۸۱). تحفه الملوک. تحقیق عبدالوهاب فراتی. قم: بوستان کتاب.
- محلاتی غروی، اسماعیل (۱۳۹۰). اللالی المربوطه فی وجوب المشروطه. در: رسائل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان. تنظیم غلامحسین زرگری‌نژاد. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ج ۲.
- مرادخانی، فردین؛ صادقیان، مرضیه (۱۳۹۷). مفهوم حقوق مشترکه نوعیه در اندیشه نائینی. جستارهای تاریخی، ۲۹(۲).
- مستشارالدوله، میرزا یوسف (۱۳۸۲). یک کلمه. به کوشش سید صادق فیض. تهران: کانون چاپ.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۵۷). تاریخ انقلاب مشروطه ایرانیان. تهران: انتشارات سخن، ج ۱.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸). تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملله. با مقدمه و توضیحات محمود طالقانی. تهران: چاپ نهم.
- نجم‌آبادی، هادی (۱۳۸۸). تحریر العقلا. به کوشش سیف‌الدین نجم‌آبادی. قابل دسترس در: <https://aqeede.com>
- نراقی، ملا احمد (۱۳۶۶). معراج السعاده. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- نراقی، ملا محمد مهدی (۱۳۶۹). انیس الموحدین. تهران: انتشارات الزهراء، چاپ دوم.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). روضة الصفای ناصری. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر، ج ۹.